فصلنامه

Journal of
Family Research
Vol.21(1): 135-152; 2025
https://doi.org/10.48308/jfr.2025.237211.1851

سال بیست‌ویکم/ شماره ۸۱/ بهار ۱۴۰۴
صفحات: ۱۵۲-۱۳۵

Original Article

Standard for Determining Alimony; Conventional Needs of The Wife or the Expert Procedure

Saideh Edalati[1]✉

1. Department of Jurisprudence and Law, Shahid Motahari University, Tehran, Iran

Received: 2024.11.09 **Revised: 2025.03.09** **Accepted: 2025.03.18**

Doi: **10.48308/jfr.2025.237211.1851**

Extended Abstract

Alimony is one of the functions of marriage and results of the couple's good behavior. The task of providing is assigned to the couple and the task of estimating is assigned to an expert for technicality.
In examining the cases of alimony, we come across figures that neither show reality nor are based on justified logic, however, according to the law, the figures should be set based on the wife's conventional needs, the daily market price, and the fairness .The main question is the logic governing on these figures. This research which is an applied research, relying on the descriptive-analytical method, and through field research and questionnaires and by examining the cases based on the facts and observing the rule of justice and fairness, has been analyzed the problem and presented a solution. The findings indicate that present figures are in harmony with the custom of the expert, the conditions of the couple and the will of the judicial authority. This situation can be reviewed with the vicarious liability, the establishment of a family support found and favorable government intervention; because in the most optimistic situation, an expert's theory without real support is an example of a policy violation, and in the most difficult situation, it is an example of forgery that has guaranteed with criminal punishment.

Keywords: Alimony, Examples of alimony, conventional needs of the wife, Expert of alimony, Standard for determining alimony.

How to cite: Edalati, S. (2025). Standard for determining alimony: The conventional needs of the wife or the expert procedure. *Journal of Family Research, 21*(1), Article e105588. https://doi.org/10.48308/jfr.2025.237211.1851

✉Corresponding Author Email Address: s.edalati@hotmail.com

Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

فصلنامه
خانواده‌پژوهی
سال بیست‌ویکم/ شماره ۸۱/ بهار ۱۴۰۴
صفحات: ۲۳-۱۳۵

Journal of
Family Research
Vol.21(1): 135-23; 2025
https://doi.org/10.48308/jfr.2025.237211.1851

مقالهٔ پژوهشی

معیار تعیین نفقه؛ نیازهای متعارف زوجه یا عرف کارشناسی

سعیده عدالتی[۱]✉

۱. گروه فقه و حقوق، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۱۹ دریافت نسخهٔ اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸

DOI: 10.48308/jfr.2025.237211.1851

چکیده: نفقه از توابع نکاح و از نتایج حسن سلوک زوجین است که تکلیفِ تأمین آن به زوج و وظیفه تخمین آن به جهت فنی بودن، به کارشناس محول شده است. در بررسی پرونده‌های نفقه زوجه، به ارقامی برمی‌خوریم که نشان از واقعیت نداشته و بر منطق موجهی استوار نیست، حال آن‌که مطابق قانون، ارقام می‌بایست بر اساس نیازهای متعارف زوجه، عادله روز و بر پایه قاعده عدل و انصاف تنظیم شود. پرسش اصلی، منطقِ حاکم بر این مبالغ است. پژوهش حاضر که تحقیقی کاربردی است با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی از طریق تحقیقات میدانی، پرسش‌نامه و با بررسی پرونده‌های جاری بر پایه واقعیت موجود و البته مراعات قاعده عدل و انصاف به واکاویِ مسأله و ارائه راه‌کار پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که ارقام حاضر بیش از هر چیز با عرف کارشناسی، خواست و شرایطِ زوج و اراده مقام قضایی هماهنگ است. رویه موجود با طرح مسئولیت نیابتی، بیمه نفقه، تأسیس نهادی هم‌چون صندوق پشتیبانی از خانواده و مداخله مطلوب دولتی می‌تواند مورد بازنگری قرار گیرد؛ زیرا در خوش‌بینانه‌ترین حالت، نظریه کارشناسیِ فاقد پشتوانه حقیقی، مصداق گزارش خلاف واقع (بند ۹ ماده۲۶ق.ک.ک) و تخلف انتظامی و در سخت‌ترین مواجهه، مصداق بزه جعل و متضمن ضمانت اجرای کیفری است. (ماده ۳۷ ق.ک.ک)

کلیدواژه‌ها: نفقه، مصادیق نفقه، نیازهای متعارف زوجه، کارشناسی نفقه و معیار تعیین نفقه.

استناد به این مقاله: عدالتی، س. (۱۴۰۴). معیار تعیین نفقه؛ نیازهای متعارف زوجه یا عرف کارشناسی (e105588). خانواده‌پژوهی، ۲۱(۱)، e105588. https://doi.org/10.48308/jfr.2025.237211.1851

✉**نویسنده مسئول: s.edalati@hotmail.com**

مقدمه

پرداخت نفقه به غیر، به دو جهت واجب است؛ یکی قرابت و دیگری زوجیت. در زوجیت، مطابق ماده ۱۱۰۲ق.م، زوجه در زندگی مشترک به دلیل حسن سلوک بر مبنای آیه شریفه «عاشروهن بالمعروف»[۱] و هم‌چنین آیات۷ سوره طلاق، ۲۳۳سوره بقره و ۳۴سوره نساء، مستحق دریافت نفقه است.[۲] اجرا و تأمین این حق بر پایه ماده ۱۱۰۶ق.م به دوش زوج گذاشته شده؛ چراکه شارع، ریاست خانواده را بر عهده زوج قرار داده و بر این اساس تأمین معاش خانواده از توابع ریاست مرد بر خانواده و از موجبات تشیید بنیان خانواده است[۳] و لذا ریشه قراردادی ندارد[۴] و صرف احسان نیز نبوده و از لوازم تأسیس و صیانت از خانواده است.[۵] با این همه گاه ملاحظه می‌شود که در مواردی هم‌چون اعسار زوج، تمارض به اعسار در فرض معامله به قصد فرار از دین، اظهارنظر غیرواقعی و غیرمسئولانه کارشناس و مواردی از این دست، نه تنها پرداخت نفقه که حتی ادامه زندگی مشترک با مشکل مواجه و خانواده در معرض فروپاشی قرار می‌گیرد. بر این اساس شناخت موانع و برطرف‌سازی آن‌ها در راستای اجرای این حق و در مجموع صیانت از نهاد خانواده و ارائه رهیافتی دقیق، عادلانه و منصفانه که در آن حقوق تمامی اطراف دخیل در موضوع دیده شده باشد، از موضوعات درخور توجه و ضروری است.

پرسش اصلی، معیار، مصادیق، مرجع و کیفیت محاسبه نفقه است. گرچه در باب نفقه زوجه، پژوهش‌های متعددی صورت پذیرفته، اما غالب آن‌ها به حوزه نظری نفقه اختصاص دارند.[۶] وجه ممیزه تحقیق پیش‌رو، حوزه اجرایی نفقه، گستره مصادیق آن، راه‌کارهای حمایتی از زوج در راستای تأمین نفقه و صیانت از خانواده و پیشگیری از ارتکاب تخلف و جرم کارشناسان دادگستری است که تا کنون بدین نحو موضوع نفقه مورد واکاوی قرار نگرفته است. پژوهش حاضر با توجه به هدفی که برای آن ترسیم شده، از نوع تحقیقات کاربردی است؛ چراکه به بررسی نفقه از منظر کارشناسان رسمی دادگستری و مقامات قضائی می‌پردازد و از آن‌جا که در گردآوری داده‌های خود از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای، پرسش‌نامه و مصاحبه بهره برده، در قالب روش توصیفی پیمایشی مقطعی قابل دسته‌بندی است؛ زیرا به دنبال به دست دادن اطلاعاتی در خصوص دیدگاه‌های دو گروه اعلامی در بازه زمانی یک ماهه در شاخص‌های ثابت و متغیر اقتصادی و تحلیل کیفی آن‌ها به منظور بهبود وضعیت موجود است. بر این پایه تحقیق، در چهار گفتار تنظیم گردیده؛ گام نخست به تبیین شاخصه مؤثر در مصداق‌شناسی نفقه، گفتار دوم؛ مرجع و مجری سنجش نفقه، گفتار سوم به ارزیابی میدانی مصادیق بر اساس ارقام بازاری اهتمام شده و در گفتار نهایی با بررسی مقایسه‌ای میان یافته‌های تحقیق و تحلیل نظریات کارشناسان و مقامات قضایی، به نقد آراء مختلف و ارائه رهیافت عملی جهت اجرای عادلانه و منصفانه حکم ماده ۱۱۰۷ق.م پرداخته شده است.

گفتار نخست: شاخصه مؤثر در مصداق‌شناسی نفقه

نفقه، از ریشه «نفق»، به مفهوم بیرون کردن مال از ملک و صرف آن در رفع حوائج خویشتن یا دیگری است.[۷] بر اساس این تعریف، مهم‌ترین معیار در تشخیص مصداق نفقه، «نیاز» است، فلذا مصادیق تجملی و خارج از نیاز و اسراف‌گونه خروج موضوعی دارند.[۸] هم‌چنین به رغم ملاک بودن نیاز، این‌گونه نیست که هر نیازی مصداق نفقه قرار گرفته و تأمین آن بر زوج واجب باشد؛ بلکه چنان‌که مقنن در ماده ۱۱۰۷ق.م بدان اشاره کرده، نیاز

می‌بایست «متعارف و مرسوم» باشد. بر این پایه هر آن‌چه به لحاظ ماهیت، نیاز محسوب شود، تأمین آن مطابق شرع، تصریح مقنن و رویه قضایی،[۹] به عهده زوج است. بنابراین مصادیق نفقه حصری نبوده و با توجه به تفاوت زندگی‌ها، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود، هرچند که برآورده‌سازی نیازهای اساسی خوراک، پوشاک و مسکن[۱۰] پیش‌فرض‌های پذیرفته شده نیاز در باب نفقه است.

بر پایه اصالت نیازها و وضعیت جسمی و روحی زوجه در خانواده،[۱۱] جایگاه خانوادگی و اجتماعیِ زوجه یا توانایی زوج در برآورده کردن نیازها و یا هر مؤلفه دیگری اصالتاً ملاک نیست، هرچند به نظر می‌رسد به منظور تعیین عادلانه، منصفانه و البته قابل اجرای نفقه، می‌بایست بر مبنای قاعده عدل و انصاف در تزاحم دو حق-الناس، گوشه‌چشمی به وضعیت اقتصادی زوج و سایر امور حاکم بر زندگی مشترک زوجین داشت. بنابراین همان‌گونه که در ازدواج مرد ثروت‌مند با زن فقیر، زوج وضع گذشته زوجه را مبنای تعیین نفقه قرار نمی‌دهد، در ازدواج زن ثروت‌مند با کارگر ساده نیز نمی‌توان از او انتظار فراهم کردن زندگی اشرافی را داشت.

به رغم خصوصی بودن حریم خانواده و ضرورت عدم مداخله حاکمیت در این نهاد، گاه زوج در تأمین نفقه و یا مدیریت دیگر امور مربوط به خانواده با مشکلاتی مواجه است که به نظر می‌رسد با عنایت به ابعاد معنوی و تربیتی مسأله نفقه و دیگر مسائل خانواده، بر پایه اصل دهم قانون اساسی در جهت حمایت از این نهاد و برطرف‌سازی نیازهای مربوط به آن، نه تنها نهادها که حاکمیت نیز گام مؤثر بردارد. برای نمونه در موضوع نفقه، چنان‌چه نیازهای متعارف زوجه در دوران زندگی و حتی پس از آن تا پایان ایام عده، به نحو مطلوب و منطقی تأمین شود، ضمن مسئول دانستن زوج در برابر خانواده و حمایت از وی در مدیریت و رشد و شکوفایی نهاد خانواده، از بسیاری از آسیب‌های جدی و بعدی زوجه در جامعه، به منظور تأمین نیازها جلوگیری می‌شود.[۱۲] بنابراین لازم است تأمین نیازهای زوجه در قالب نفقه با نگاه اجتماعی-تربیتی تقویم شود تا به این وسیله، نفقه علاوه بر کارکرد مادی، کارکرد بازدارندگی، مسئولیت‌پذیری و جنبه تربیتی نیز داشته باشد و این‌گونه نباشد که زوج به محض عدم ایسار بر پرداخت نفقه، به زندگی مشترک خاتمه داده و یا زوجه را بلاتکلیف رها کند و زوجه با انبوهی از نیازها و عدم توانایی در برآورده‌سازی آن‌ها مواجه شود که در این صورت ممکن است زوجه برای تأمین نیازهای خود در معرض مفاسد قرار گرفته و بدان گرایش پیدا کند.

طرح نفقه زوجه در قالب پرونده حقوقیِ مطالبه نفقه معوقه یا کیفریِ ترک انفاق و ارجاع موضوع به کارشناس، غالباً در جایی است که زوجین دارای اختلاف هستند، زوج غایب بوده، معسر است، یا تجدید فراش کرده و یا به هر دلیل دیگر از پرداخت نفقه همسر خود امتناع می‌کند. در بررسی پرونده‌های فوق ملاحظه می‌شود که در مقام استیفاء نفقه، این حق نه تنها در غالب موارد، به تمامه استیفاء نمی‌گردد که حتی در پاره‌ای موارد، تأمین‌کننده حداقل نیازهای زوجه نیز نبوده و ارقام تعیین شده بیش از هر چیز مخالف واقعیت، قانون، نیاز زوجه و در مواردی ظالمانه است و این‌گونه به نظر می‌رسد که گویا هدف، صرف اجرای سطحی حکم، فارغ از کمیت و کیفیت آن است، حال آن‌که در حوزه خانواده، تکلیف مقام قضایی و کارشناس بیش از هر چیز، ترمیم روابط آسیب دیده زوجین، ایجاد صلح و سازش و احقاق حق و فصل خصومت است. البته در این باره از نقش عوامل مؤثر در حدوث چنین نتیجه‌ای نباید غافل شد؛ مردی که به جهت فرار از دین، اموال خود را به دیگری واگذار می‌کند، زوجه‌ای که با اظهارات خلاف واقع، حقیقت را وارونه جلوه می‌دهد، کارشناسی که غیرمسئولانه

و از سر رفع تکلیف و به ندرت تطمیع و یا تهدید، رقمی را غیرکارشناسانه اعلام می‌کند، قاضی که از سر بی میلی به دلیل تورم بیش از اندازه پرونده‌های تحت نظر، سعی در مختومه کردن پرونده دارد، همه و همه در وقوع وضعیت فعلی دخیل و تأثیرگذارند.

گفتار دوم: مرجع و مجری سنجش نفقه

گاه در جریان رسیدگی به یک پرونده قضایی، اموری غیرقضایی حادث می‌شود که مقام قضایی به جهت عدم تخصص می‌بایست به متخصص فن مربوطه مراجعه کند؛ زیرا قاضی تنها متخصص امور حقوقی است و حتی به رغم داشتن صلاحیت مربوطه، طبق قانون می‌بایست به کارشناس آن حوزه که متخصصی روزآمد است مراجعه کند. بر این پایه کارشناسی، ابزاری برای کشف حقیقت و کمک به قاضی و علم او در روشن شدن جهات موضوعی مسأله است و لذا لازم است داوری در این امر به عهده کارشناس رسمی این فن قرار داده شود و از سپردن موضوع به خبرگان محلی خودداری شود تا در صورت تخلف و تضییع حق، امکان تعقیب و بازخواست کارشناس به جهت مراعات حق‌الناس فراهم باشد. بر این اساس مطابق بند «ر» آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الإجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی، «کارشناس رسمی کسی است که به مناسبت خبره بودن در فنی می‌تواند در مسائل مربوط به فن خود به عنوان صاحب‌نظر اظهارنظر کند و از مراجع ذی‌صلاح برای این کار پروانه داشته باشد»، ضمن آن‌که صدور پروانه کارشناسی، منوط به سنجش و احراز صلاحیت علمی و اخلاقی فرد و تعهد و سوگند او بر صداقت، حق‌مداری، عدالت‌محوری و مراعات اخلاق حرفه‌ای است.[۱۳]

با عنایت به فنی-تخصصی بودن موضوع نفقه و تقویم آن، مقام قضایی طی قرار اعدادی، مسأله را به کارشناسِ موضوع ارجاع می‌کند تا بر مبنای تخصص، به کشف جنبه‌های پنهان موضوع بپردازد و او را راهنمایی و مساعدت کند. بر این پایه تلاش او تحقیقی است که دادگاه به منظور تمیز حق و یا تمهیدِ مقدمات آن به عهده وی قرار داده و از این راه استنباط و اعتقاد او از قرائن فنی و علمی و حرفه‌ای که در دسترس دادگاه نیست، مطالبه شده است.[۱۴] به همین جهت لازم است که کارشناس نهایت تلاش خود را به کار بسته و بر اساس حق، عدالت و البته انصاف به داوری در این زمینه بپردازد؛ زیرا او بر اساس ماده ۱۷ق.ک.ک سوگند یاد کرده؛ به راستی و درستی اظهارنظر کند، اغراض شخصی را دخیل نکرده و بر خلاف واقع اظهاری مکتوب نکند که در فرض ارتکاب، مستحق دریافت محکومیت‌های مندرج در مواد ۲۶ و ۳۷ قانون مذکور است.

به رغم باید و نبایدهای قانونی و اخلاقی، در بررسی نظریات کارشناسیِ نفقه ملاحظه می‌شود که برخی کارشناسان در محاسبه ضروریات زندگی زوجه در برخی موارد، عملکرد مناسبی از خود نشان نداده؛ به نحوی که گاه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت جسمی و روحی زوجه را پوشش نمی‌دهد و ارقام اعلامی، نوعاً تحت عنوان تخلفِ اظهارنظرِ خلاف واقع قابل پیگیری است. برای نمونه در پرونده مربوط به احد از ورزشکاران ملی‌پوش، به رغم مکنت و دارایی زوج و اقامت در منطقه یک تهران، نفقه چهار میلیون و هشتصد هزار تومان تعیین گردید. بر این پایه نحوه محاسبه نیازهای متعارف زوجه از پرسش‌های اساسی است که به منظور پاسخ-دهی به آن در دو گفتار پیش رو در قالب پژوهشی میدانی، به محاسبه مصادیق نفقه، بر اساس ملاک ضرورت

از منظر عرف و بر پایه عادله بازار و هم‌چنین ارزیابی عملکرد کارشناسان دادگستری و مقامات قضایی پرداخته شده است.

گفتار سوم: محاسبه نیازهای زوجه بر اساس نرخ بازار

مصادیق نیازهای زوجه بر اساس رأی عرف، نیازهای اولیه مسکن، خوراک، هزینه‌های خدمات عمومی از قبیل؛ آب، برق، گاز، تلفن و هزینه‌های رفت و آمد، هزینه‌های درمانی و بهداشتی، پوشاک و هزینه‌های تفریح و سرگرمی است، هرچند ممکن است در مواردی هزینه‌های دیگری مانند خادم، پرستار، اثاث البیت و غیره نیز در قالب نیاز بدان اضافه شود. با این حال در تعیین نفقه، از محاسبه اثاث البیت و هزینه‌های خادم و پرستار خودداری شده؛ زیرا زوجه در غالب موارد در سلامت است و به تنهایی قادر به انجام امورات خود و اثاث منزل نیز تحت عنوان جهیزیه، توسط وی به منزل زوج آورده شده و تا زمانی که قابلیت بهره‌برداری داشته باشد، نیازی به تهیه آن توسط زوج نیست. به نظر می‌رسد تأمین اثاث‌البیت در قالب جهیزیه توسط زوجه اگرچه قانوناً مسئولیتی متوجه او نیست، مشارکتی از ناحیه او در جهت پشتیبانی از زوج و زندگی مشترک و در راستای قاعده عدل و انصاف است که چنان‌چه هزینه زندگی بر دوش زوج گذارده شده، او نیز در این راه خود را سهیم دانسته است.

در ارزیابی ضروریات، سعی شده نیازهای زوجه در قالب رفع حاجت به میزانی که زوجه بدان‌ها برای بقاء و گذران زندگی محتاج است، مورد تقویم قرار گیرد تا از این طریق مبنا و پایه‌ای برای نفقه به دست آید که در اجرای قرارهای کارشناسی به عنوان ملاک، رقم پایه قرار گرفته و منبعی برای آگاهی نهادهای حمایتی در راستای پشتیبانی از زوج در جهت تأمین کامل آن قرار گیرد؛ زیرا بنا به نص ماده۱۱۰۷ق.م، پرداخت نفقه واجب است و پرداخت نفقه به گونه‌ای که تأمین‌کننده نیازهای زوجه نباشد و او را در عسر و حرج قرار دهد، از مصادیقِ بزهِ ترک انفاق است، ضمن آن‌که اظهارنظر خلاف واقع کارشناس در محاسبه نیازها نیز از مصادیق تخلف انتظامی و حتی ارتکاب بزهِ جعل معنوی در اسناد رسمی است.

خاطر نشان می‌گردد محاسبه اقلام مورد نیاز زوجه، بر اساس نرخ عرفی بازار و بر اساس قیمت فروشگاه‌های زنجیره‌ای که دارای ارقام مناسب‌تری هستند، محاسبه شده و برای عدالتِ در نتیجه، نظریات یک ماهِ اخیر کارشناسان با ارقام یک ماهِ اخیر اجناس، ملاک عمل قرار گرفته است. بر این پایه نیازهای متعارف ماهانه یک خانم در شهر تهران، با لحاظ مصادیق گفته شده به شرح زیر تقویم شده است:

۱. هزینه مسکن

هزینه مسکن که شامل اقامت ۳۰ روزه در یکی از مهمان‌پذیرهای درجه ۲ است، به قرار ماهانه۷۵۰۰۰۰۰ تومان و به شرح شبی ۲۵۰۰۰۰ تومان ارزیابی شده است که البته با توجه به تخفیف ۱۰ الی ۱۵ درصدی مهمان‌پذیرها به دلیل اقامت طولانی مدت، این رقم به ۶۳۷۵۰۰۰ تومان نیز قابل تعدیل است. در محاسبه مسکن به کم‌ترین و حداقلی‌ترین مکان و رقم جهت گذران زندگی، با مسافرخانه‌های درجه ۲ و پانسیون‌هایی

در حدود خیابان‌های قزوین، سعدی، ناصر خسرو، امیرکبیر، صور اسرافیل، ری و میدان راه‌آهن صحبت و چانه‌زنی شد. رقمِ متوسطِ اقامت یک نفره غالب مهمان‌پذیرها شبی ۴۷۹ تا ۷۴۷ هزارتومان و بیش از آن بود که با جستجوی بیش‌تر، به مهمان‌پذیرهای با رقم شبی ۲۵۰۰۰۰تومان بسنده و از بررسی نرخ رهن و اجاره در نقاط مختلف تهران خودداری شده، حال آن‌که حق، منظور نمودن هزینه‌های رهن و اجاره در نقاط مختلف تهران است، اما با عنایت به شاخصه نیاز و ضرورت و در مواردی پذیرش زوجه در منزل والدین خود، هزینه‌های پانسیون ملاک عمل قرار گرفته است. به جرأت می‌توان گفت در شهری مانند تهران، تأمین این نیاز به کم‌تر از رقم فوق از طرق قانونی مقدور نیست.

۲. هزینه‌های خوراک

ارقام این بخش بر اساس اقلام خوراکی مورد نیاز برای دو وعده غذایی به قرار زیر است:

- ✓ ۳ عدد نان لواش در روز به ارزش دانه‌ای ۷۰۰تومان، جمعاً در ماه، به بهای ۶۳۰۰۰تومان.
- ✓ دو لیتر شیر به قرار لیتری ۴۸۰۰۰تومان، جمعاً به ارزش ۹۶۰۰۰تومان که با توجه به کمبود کلسیم در اکثر خانم‌ها این میزان ضروری است.
- ✓ ۱۵عدد تخم مرغ به قرار دانه‌ای ۶۰۰۰تومان، جمعاً به مبلغ ۹۰۰۰۰تومان.
- ✓ یک قالب پنیر ۵۰۰گرمی به ارزش ۱۰۶۰۰۰تومان.
- ✓ دو بسته ماکارونی به قرار ۳۳۰۰۰ تومان، جمعاً به ارزش ۶۶۰۰۰ تومان.
- ✓ یک عدد مرغ، به ارزش ۲۵۰۰۰۰تومان.
- ✓ نیم کیلوگرم گوشت گوسفندی یا گوساله به همراه یک بسته جگر و یک ماهی به ارزش ۹۸۲۰۰۰تومان.
- ✓ ۳ کیلو برنج ایرانی به ارزش کیلویی ۲۱۰۰۰۰ تومان، جمعاً به مبلغ ۶۳۰۰۰۰ تومان یا برنج هندی با رقمِ پایه ۹۰۰۰۰تومان به مبلغ مجموع ۲۷۰۰۰۰ تومان که البته در محاسبه، رقم هندی ملاک ارزیابی است.
- ✓ حداقل ۱۰۰گرم از هر نوع حبوبات؛ در مجموع به مبلغ ۲۰۰۰۰۰تومان.
- ✓ روغن اعم از سرخ کردنی و پخت و پز ۸۰۰گرم به بهای ۶۱۰۰۰ تومان.
- ✓ رب گوجه یک کیلویی به مبلغ ۷۵۰۰۰تومان.
- ✓ نیم کیلوگرم قند به بهای ۷۵۰۰۰تومان.
- ✓ یک بسته چای کیسه‌ای ۲۵تایی به ارزش ۸۲۰۰۰تومان.
- ✓ نیم کیلوگرم شکر به ارزش ۷۰۰۰۰تومان.
- ✓ یک بسته نمک به ارزش ۲۲۰۰۰تومان.
- ✓ یک و نیم کیلوگرم سیب‌زمینی به بهای ۹۰۰۰۰تومان.
- ✓ نیم کیلوگرم گوجه فرنگی به همراه یک کیلوگرم خیار به ارزش ۸۰۰۰۰تومان.
- ✓ یک کیلوگرم پیاز به مبلغ ۴۰۰۰۰تومان.

- ✓ یک کیلوگرم پرتقال به بهای ۸۰۰۰۰تومان.
- ✓ یک کیلوگرم سیب به ارزش ۹۰۰۰۰تومان.

۳. هزینه قبوض خدماتی

- ✓ آب، ماهانه ۳۵۰۰۰تومان.
- ✓ برق، ماهانه ۷۵۰۰۰تومان.
- ✓ گاز، ماهانه ۲۵۰۰۰تومان.
- ✓ تلفن همراه، ماهانه ۱۵۰۰۰۰تومان.
- ✓ اینترنت ۱۰۰۰۰۰تومان.

۴. هزینه‌های رفت و آمد

هزینه‌ها در قالب یک سفر رفت و برگشت با قطار شهری به همراه مختصر کرایه تاکسی، تنها برای یک بار خروج در هفته به قرار ۶۲۵۰۰تومان، جمعاً در ماه به ارزش ۲۵۰۰۰۰تومان تعیین و از محاسبه روزانه این موضوع اجتناب شده است.

۵. هزینه‌های درمانی و آرایشی-بهداشتی

محاسبه در این بخش نیز بر پایه فرض سلامت زوجه انجام یافته و به ضروریات اکتفا شده و از محاسبه برخی نیازهای پزشکی مانند معاینات سالانه، نیاز به دندان‌پزشکی و برخی بیماری‌های خاص و هزینه‌های بالای مراکز تصویربرداری خودداری شده است، بر این اساس هزینه‌کردها به قرار زیر است:

- ✓ خرید یک بسته پد بهداشتی به ارزش ۵۸۰۰۰تومان.
- ✓ هزینه صابون، شامپو، خمیر دندان، دستمال کاغذی و مایع شوینده جمعاً به ارزش ۶۳۴۵۰۰تومان.
- ✓ هزینه اصلاح و آرایش به مبلغ ۱۰۰۰۰۰۰تومان.
- ✓ هزینه درمانی مطابق تعرفه اعلامی از سازمان تأمین اجتماعی به قرار ۱۲۶۰۰۰تومان ویزیتِ پزشک عمومی و ۷۳۳۰۰۰تومان جهت تهیه دارو؛ در مجموع به ارزش ۸۵۹۰۰۰تومان.

۶. هزینه پوشاک

پوشاک از جمله اقلامی است که با توجه به فصل‌های چهارگانه در سال، از ضروریات است، اما محاسبه به‌گونه‌ای است که تا حد ممکن از البسه موجود بهره برده و از هزینه‌کردهای اضافی خودداری شود. بر این اساس هزینه‌ها به قرار زیر است:

✓ خرید یک دست لباس مناسب فصل جهت استفاده در منزل به ارزش۲۰۰۰۰۰۰تومان به ریزِ۳۵۰۰۰۰تومان لباس زیر و ۱۶۵۰۰۰۰تومان بلوز و شلوار، جوراب و دمپایی که البته بناست که از قِبَل همین مبلغ، زوجه با پس‌انداز بتواند در ماه‌های آتی پوشاک بیرون از منزل خود؛ اعم از کار، مهمانی و... را برای یک سال فراهم کند. محاسبه هزینه این بخش به نحوی صورت گرفته که رقم اعلامی، قابلیت پوشش هزینه‌های کیف، کفش، جوراب، لباس مناسب فصل با در نظر گرفتن حداقل یک روسری، یک مانتو و شلوار و در صورت نیاز، پوشش چادر را داشته باشد.

۷. هزینه‌های تفریح و سرگرمی

✓ محاسبه این بخش شامل هزینه تهیه بلیت نیم‌بها جهت دیدن یک فیلم در ماه به بهای۵۵۰۰۰تومان و خرید تنقلات به ارزش۱۰۰۰۰۰تومان، جمعاً۱۵۵۰۰۰تومان ارزیابی شده که می‌تواند به منظور تأمین هر نوع تفریح دیگری نیز استفاده شود. هزینه فوق با احتساب تارنماهای تخفیفی و سفرهای درون‌شهری و با مدیریت حداکثری محاسبه شده است.

ارزش اقلام اعلام شده، مجموعاً ۱۴۵۲۹۵۰۰تومان بدون احتساب هزینه خادم و اثاث‌البیت است که در فرض نیاز زوجه می‌بایست هزینه خادم و پرستار نیز به این جمع اضافه گردد که بسته به خدمات ارائه شده به رقمی بین۷ تا۳۰میلیون در ماه قابل تقویم است. در خصوص اثاث منزل نیز در فرض فرسودگی یا از بین رفتن، هزینه‌های آن که بسته به کالای مورد نیاز، متفاوت است، به جمع فوق اضافه می‌گردد. البته با عنایت به نوسان نرخ تورم در طول یک ماه، محاسبه روزانه و موردی هر پرونده به منظور مراعات جانب عدل و انصاف به رغم سختی آن، پیشنهاد می‌شود؛ زیرا به حق و عدالت نزدیک‌تر است.

گفتار چهارم: ارزیابی پاسخ‌های کارشناسان و قضات در نحوه محاسبه نفقه

پس از تخمین نیازهای پایه، زمان واکاوی ارقام اعلامی کارشناسان، طی یک ماه اخیر مجتمع‌های خانواده یک و دو تهران است. غالب نظرات کارشناسی در محاکم خانواده یک، گستره‌ای بین سه میلیون و پانصد هزار تومان تا پنج میلیون تومان است که البته در برخی مواردِ نادر تا شش یا شش میلیون و نیم نیز قابل مشاهده است. در مجتمع خانواده دو نیز ارقام اعلامی بین پنج میلیون و دویست هزار تومان تا هفت میلیون و پانصد تومان در نوسان است، اگرچه که در موارد نادر در پرونده‌هایی با طرفیت زوجه در مقام عضو هیأت علمی دانشگاه و طبقه اجتماعی خاص، این رقم به ده میلیون تومان و کمی بیش از آن نیز رسیده است. به رغم دست‌یابی به نتایج حاصل از پرونده‌های متعدد، به منظور دسترسی به معیار تعیین نفقه در پرونده‌های جاری در حوزه خانواده از منظر قضات و کارشناسان، پرسش‌نامه‌ای مختص به دو طیف پیش‌گفته تنظیم و از ایشان خواسته شد تا به سؤالاتی پاسخ دهند. در ادامه با ارزیابی پاسخ‌های آن‌ها سعی شد تا از خلال آراء و نظریات ایشان، ملاک و منطقی استخراج شود.

۱- پرسش و پاسخ کارشناسان

از کارشناسان رسمی دادگستری پرسیده شد:

۱. نظر شما درباره نفقه و واگذاری تقویم آن به کارشناس چیست؟
۲. کم‌ترین و بیش‌ترین مبلغِ نفقه را در ماه جاری به چه میزانی اعلام کرده‌اید؟ دلیل هر یک را تبیین نمایید.
۳. رویه جاری و متوسطِ رقم اعلامیِ شما در غالب پرونده‌های ارجاعی به چه میزان است؟ آیا این رقم را برای خود نیز تجویز می‌کنید؟
۴. ملاک شما در تعیین نفقه چیست و با معیار پیشنهادی مقنن چه تفاوت‌هایی دارد؟
۵. تا به حال با رقم اعلامی شما در خصوص نفقه، مخالفت شده است؟ از سوی چه کسانی و به چه دلیل؟
۶. به نظر شما نفقه بر چه اساسی باید سنجیده و محاسبه شود؟ حداقل مبلغ پیشنهادی خود را بیان کنید.

یافته‌های حاصل از تحلیلِ پاسخ‌های کارشناسان نفقه، حاکی از آن است که وضعیت موجود در تعیین نفقه، متأثر از عوامل متعددی هم‌چون در نظرگیری **تمکن مالی زوج، سزادهی زوجه، قصد عدم عدول از رویه جاری میان کارشناسان** و **تأمین خواست و اراده مقام قضایی** است که در ادامه به واکاوی و تحلیل هریک پرداخته شده است.

أ- لحاظ تمکن مالی زوج

پاره‌ای کارشناسان با اظهار مبنا بودن توانایی زوج در پرداخت نفقه، بیان داشتند: «**با اعلام این ارقام در پی حمایت از خانواده، زوج و لحاظ توانایی و قدرت مالی او جهت پرداخت هزینه‌کردها هستیم**». گرچه این نوع نگاه در راستای اعمال قاعده عدل و انصاف، منطقی است، اما این شیوه اظهار نظر با عنایت به عدم آگاهی کارشناس به تمام زوایای زندگی زوجین، عدم علم و احاطه او نسبت به درآمد خالص زوج، تمارض زوج به اعسار، حقایق و مسائل جاری میان زوجین و کتمان تمام یا بخشی از حقیقت توسط زوجین مقبول نیست، ضمن آن‌که با عنایت به عدم تصریح مقنن در لحاظ مکنت مالی زوج در محاسبه نفقه در ماده۱۱۰۷ق.م، چنین رویکردی قابل تأمل و عملکرد بر اساس آن متضمن مسئولیت‌های اخلاقی، حقوقی، کیفری و انتظامی است، افزون بر آن‌که غالباً زوجین با طرح نخستین پرونده در محاکم، تمایلی به ادامه زندگی مشترک نداشته و لذا چنین رویکردی لزوماً حامی بنیان خانواده نیست. با این حال غالب کارشناسان نیز منکر لحاظ چنین فرضیه‌ای شده و بر این عقیده هستند که «**اگرچه توانایی زوج را تا حدی مورد ملاحظه قرار می‌دهند، اما هرگز این‌گونه نبوده که صرفاً بر اساس تمکن زوج، اقدام به تعیین میزان نفقه کرده باشند**». شاهد بر این مدعا، صدور نظرات متعدد کارشناسی مبنی بر تنظیم ارقام نازل به رغم مکنت مالی زوج است.

ب- سزادهی زوجه

در باب وجهِ تعیین نفقه ناکافی به دلیل سزادهی زوجه، برخی کارشناسان صراحتاً بیان کردند: «**زمانی که زوجه برای خود ارزش قائل نشده و مثلاً در فرضی که او تحصیل‌کرده و دارای مدارج بالای دانشگاهی است و حاضر می‌شود با فردی دارای سطح تحصیلات پایین‌تر ازدواج کند و یا شأن اجتماعی و**

خانوادگی خود را در نظر نمی‌گیرد، بر اساس قاعده اقدام، این کم‌ترین نتیجه‌ای است که می‌بایست بپذیرد؛ چرا که او در دوران زندگی مشترک به همین مقدار و حتی کم‌تر هم قانع شده و زندگی کرده، حال آن‌که نباید قناعت می‌کرده و پس‌انداز کند. در چنین مواردی حتی اگر زوج مکنت مالی داشته باشد، میزان نفقه زوجه می‌بایست بر اساس همان میزان جاری در زمان زوجیت یا رویه کارشناسی تقویم و تعیین گردد». در نقد این عقیده باید گفت که اولاً سزادهی و کیفر، تنها در شأن حاکمیت و در حدود صلاحیتِ مقام قضایی کیفری است. بنابراین چنین عملکردی مغایر با صلاحیت و اختیارات کارشناس و مستلزم مسئولیت انتظامی است. ثانیاً کارشناس می‌بایست در این رابطه بر اساس نیازهای زوجه و در حدود صلاحیت، اقدام به تعیین نفقه کند و امور حاشیه‌ای در ذهن و تصمیم او کم‌ترین تأثیر را داشته باشد؛ چراکه تعیین نفقه و امر کارشناسی، خود نوعی داوری است که می‌بایست بر اساس عدل و انصاف صورت پذیرد و لذا اظهارنظر و تعیین نفقه به میزان زمان جریان زندگی مشترک اگرچه منصفانه است، اما محاسبه بر پایه عرف کارشناسی و یا کمتر از آن ضرورتاً عادلانه و منصفانه نیست و از طرفی عقیده به لزوم عدم قناعت زوجه در زمان زوجیت، اظهاری خلاف اصل معاشرت به معروف است.

افزون بر این، اگرچه کشش‌های عاطفی زوجین در زمان تشکیل زندگی مشترک، مؤثر در حدوث وضعیت موجود بوده، اما در همان زمان حتماً زوج تضمین‌هایی را ارائه کرده و یا نشانه‌هایی مبنی بر قدرت تأمین نیازهای زوجه و اداره زندگی از خود نشان داده که زوجه را راضی به نکاح کرده است، ضمن آن‌که تا پیش از زمان جدایی و استمرار زندگی مشترک، معمولاً زوجین به رغم اختلاف، گواهی می‌کنند؛ زوج تا آن لحظه تمامی نیازهای زوجه و گاه بیش از آن را تأمین کرده است. از طرفی اختلاف طبقاتی زوجین تنها یک نمونه از هزاران نمونه متعدد منجر به تشکیل پرونده قضایی است و در موارد دیگر ممکن است دلایل دیگری از قبیل خیانت زوجین، تبعیض میان همسران، عدم آگاهی زوجه به مطالبه نفقه، آبروداری در طبقه اجتماعی خود، خشونت خانگی زوجین نسبت به یکدیگر و غیر آن، سبب طرح دادخواست نفقه و دیگر پرونده‌های حوزه خانواده شده باشد. بنابراین صحیح نیست که بر اساس یک نمونه جزئی، حکم کلی نسبت به مصادیق متنوعِ متقاضی نفقه صادر کرد. با این حال به نظر می‌رسد اعسار ناگهانی زوج در برخی پرونده‌های طلاق در بهترین تعبیر، واکنش احساسی زوج به از دست دادن زندگی مشترک و به نوعی اقدام تلافی‌جویانه به منظور مقابله با زوجه است. بر این اساس مناسب است که کارشناس از مداخله در امر قضایی پرهیز کرده و صرفاً به حوزه صلاحیت فنی خود در محاسبه نیازها بپردازد و در تقویم نفقه، زوجه را از حداقل‌ها محروم نکند، مگر در جایی که رأی به نشوز و گواهی عدم تمکین او صادر شده باشد که در این موارد نیز سالبه به انتفاء موضوع است.

ج- عدم عدول از رویه رایج کارشناسی

فرض بر این است که کارشناسان تعیین نفقه، طی سال‌های متمادیِ کار در حوزه خانواده و بررسی اوضاع و احوال جامعه و زندگی مشترک زوجین، به قدر متیقنی دست پیدا کرده‌اند که برای جلوگیری از بی‌عدالتی، درصدد اجرای رویه جاری میان همکاران خود هستند و به همین جهت قصد عدول از این عرف را ندارند. نتایج حاصل از گفتگو و بررسی پاسخ کارشناسان، حاکی از شکل‌گیری غالب نظرات ارائه شده ایشان بر پایه عرف

کارشناسی است که از آن به «**قابل دفاع بودن نظریه**» یاد کرده‌اند، هرچند که با عنایت به خلاف واقع بودن چنین نظریاتی، اصولاً قابلیت دفاع ندارد، مگر از این منظر که هیأت رسیدگی کننده به تخلفات، همکاران کارشناس هستند. البته شکل‌گیری چنین نگرشی به رغم تفاوت زندگی‌ها، ریشه در عوامل گوناگونی، من جمله توافق کارشناسان جهت یک دستی نظریات دارد، که اگر حقیقتاً چنین باشد، چه نیازی به صدور پر تعداد پروانه‌های کارشناسی است. بنا به اظهار برخی کارشناسان، علت عمده‌ی شکل‌گیری چنین عرفی، «**تأمین نظر مقام قضایی، جلوگیری از اطاله دادرسی و اعتراضات پیاپی زوج و احیاناً تنظیم شکوائیه در دفاتر کانون‌ها و مراکز کارشناسی و به دنبال آن احضار به دفاتر کانون‌ها یا مراکز کارشناسی جهت ارائه توضیح در خصوص نظریه اعلامی است که ممکن است در نهایت منجر به ثبت تخلف و تذکر به کارشناس، مجازات انتظامی و یا حتی لغو پروانه کارشناسی شود**».

بر این مبنا که نظریه کارشناسی به جهت پیروی از رویه جاری و به منظور جلوگیری از اعتراض زوج است، چند پرسش در این باره خودنمایی می‌کند؛ نخست آن‌که ملاک عرف کارشناسی چیست که سبب مغایرت با ارقام بازاری شده است؟ حال آن‌که ارقام تعیینی کارشناسان با مبالغ حقیقی تفاوتی فاحش دارد. پرسش دیگر این است که آیا کارشناسان نرخ تورم لحظه‌ای در تأمین مایحتاج را در نظر می‌گیرند؟ پاسخ به نحو کلی مثبت است. وضعیت به این صورت است که در جلسه ابتدای سال، کارشناسان بر روی رقمی توافق و سعی می‌کنند از آن تخطی نکنند، هرچند که در عمل به دلایل گوناگون از آن تخلف می‌کنند. برای نمونه در ابتدای سال جاری توافق شد که برای زوجه با تحصیلات دیپلم و پایین‌تر، زیر رقم چهار میلیون تومان، نفقه تعیین نگردد، اما در عمل این‌گونه شد که از ابتدا تا پایان سال در تمامی پرونده‌ها حدود همین عدد، نظریه صادر شد، ضمن آن‌که زیر این رقم هم کم نظریه نوشته نشد. در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به این‌که نخستین درخواست قضایی، نوعاً برابر با مرگ زندگی مشترک است و با در نظر گرفتن مدت زمان به سرانجام رسیدن پرونده قضایی و با احتساب ایام عده، مدت زمان کوتاهی است که زوج ملزم به پرداخت نفقه بر اساس رقم اعلامی کارشناس می‌شود، لذا شایسته است که ارقام، واقعی یا قریب به واقع باشد؛ زیرا گرچه از نو بنا کردن زندگی برای هر دو طرف مشکل است، اما سختی این شرایط برای زوجه به مراتب بیش‌تر است، خاصه آن‌که او خانه‌دار و فاقد اشتغال باشد.

مطلب دیگر، نگرانی کارشناسان از تشکیل پرونده انتظامی است که در این باره نیز باید گفت؛ چنان‌چه تعیین میزانِ بالاترِ نفقه، موافق حق است، آیا به صرف احتمال شکایت و یا حتی یقین به طرح شکایتِ زوج، می‌بایست از اعلام و اجرای حقیقت خودداری کرد؟ آیا کارشناس به واسطه سوگندی که یاد کرده و به جهت مسئولیت اخلاقی و حرفه‌ای، وظیفه‌ای جز بیان حق و حقیقت دارد؟

از بررسی برخی پاسخ‌ها به نظر می‌رسد ازجمله علل تبعیت از رویه کارشناسی، عدم حمایت کانون‌ها و مراکز کارشناسی از کارشناس است. به همین جهت کارشناس تنها سعی در امرار معاشِ بی‌دردسر خود دارد؛ زیرا اگر کارشناس دلگرم به پشتیبانی کانون و مرکز مربوطه خود باشد، از طرح شکایت زوج در پرونده کارشناسی

واهمه‌ای ندارد که البته در این زمینه نیز اخیراً مرکز کارشناسان رسمی با انعقاد بیمه مسئولیت حرفه‌ای به حمایت از کارشناسان خود پرداخته است.

عامل مؤثر دیگر در تبعیت از عرف کارشناسی بنا به اظهار برخی کارشناسان، ناچیز بودن دستمزد کارشناسی به ویژه در حوزه خانواده است. ایشان بیان کردند: «**رقم دستمزد کارشناسی به ویژه در امر تعیین نفقه به قدری ناچیز است (حداقل ۵۰۰ هزار تومان و حداکثر در موارد خاص یک میلیون تومان) که کارشناس، صرفه خود را در به دردسر انداختن خود ندیده و بیش از هرچیز سعی در مدیریت مسأله و همراهی با دیگر کارشناسان دارد**» که در این خصوص نیز طی طرحی که از سوی مرکز کارشناسان به قوه قضائیه ارائه شده، این مشکل در شرف برطرف شدن است.

به رغم تمامی نکات پیش‌گفته، در رد عرف کارشناسی، همین بس که بانوانِ کارشناس چنان‌چه روزی، خود به مراجعه کننده‌ای در زمینه نفقه بدل شوند، تاب پذیرش چنین ارقامی را نداشته و غالب آن‌ها اظهار داشتند: «**با این رقم چه کنم و خودم بیش از این درآمد دارم**» یا «**شأن من این نیست، با این رقم نمی‌توانم زندگی کنم**». حال آن‌که به حکم قاعده «حکم الأمثال فی ما یجوز و فی ما لایجوز واحد»، قاعدتاً می‌بایست به چنین نظریه‌ای که خود مسبب ایجاد آن هستند تمکین کنند.

حاصل آن‌که نگارنده پس از تحقیق و پرس‌وجوی بسیار در این زمینه و گفتگو با بزرگانی که در این مسیر موی سپید کرده‌اند به منطق روشنی جز همین رویه مرسومِ سلیقه‌ای دست پیدا نکرد که طی آن ملاک اصلی، توافق کارشناسان بر عددی بر پایه میزان تحصیلات، خانواده و محل سکونت زوجه بود.

د- تأمین نظر مقام قضایی

برخی کارشناسان در بیان علت تبعیت از عرف اظهار داشتند: «**کارشناس نهایت تلاش خود را در تعیین نفقه به میزان متعارف به کار می‌گیرد، اما در زمان ارائه نظر، مقام قضایی از کارشناس می‌خواهد مبلغ اعلامی را کسر کرده و یا در ارائه نظریه خود تجدیدنظر کند و رقم را به مبلغ جاری میان کارشناسان و یا خواست مقام قضایی تغییر دهد و در صورتی که چنین نکند، پرونده دیگری به او داده نمی‌شود**». بر این اساس ایشان دلیل تبعیت از عرف را تأمین دأب مقام قضایی عنوان کردند تا از داشتن پرونده کارشناسی بعدی محروم نشوند. بر این پایه و به منظور درک اراده مقامات قضایی و صحت و سقم ادعای فوق، ضمن گفتگو با قضات و دادیاران، پرسش‌نامه‌ای تنظیم و از ایشان پرسش‌هایی پرسیده شد تا حقیقت امر عیان شود.

۲- پرسش و پاسخ مقامات قضایی

از مقامات قضائی پرسیده شد؛

۱. نظر شما درباره نفقه و واگذاری تعیینِ آن به کارشناس نفقه چیست؟
۲. کم‌ترین و بیش‌ترین مبلغِ نفقه‌ی تعیین شده طی ماه جاری در شعبه تحت امرتان چقدر بوده است؟
۳. رویه جاری و متوسطِ رقم اعلامی کارشناسان نفقه در پرونده‌های شعبه شما چقدر است؟
۴. تا به حال با رقم اعلامی کارشناسان نفقه، مخالفت کرده‌اید؟ چرا؟

۵. به نظر شما نفقه بر پایه چه معیاری باید سنجیده و محاسبه شود؟ حداقل مبلغ پیشنهادی خود را بیان کنید.

پرسش‌نامه فوق به دو مرجع مجتمع‌های خانواده ۱ و ۲ تهران و دادسرای سرپرستی (ناحیه۲۵) تهران با قید اظهارنظر صرفاً در خصوص نفقه زوجه شخص مهجور ارائه گردید. مقایسه اظهارات مقامات قضایی این دو مرجع، قابل تأمل است. در دادسرای سرپرستی که زوجه با عناوینی هم‌چون همسر سفیه و مهجور، موضوع پرونده‌های نفقه است، ارقام اعلامی کارشناسان، در غالب موارد، ارقام حقیقی و متناسب با نیازهای زوجه و برابر با فاکتورهای ابرازی است. بررسی‌ها حاکی از آن است که ارقام اعلامی کارشناسان در این دادسرا از حداقل هفت میلیون و پانصد هزار تومان آغاز و حتی به بیش از ده میلیون تومان نیز نظر داده شده است. مسأله عجیب‌تر این است که گاه، صادرکنندگان چنین ارقامی، همان کارشناسانی هستند که در محاکم خانواده از صدور مبلغ بیش‌تر ابا دارند. عوامل مختلفی من جمله عدم اختیار زوج در پرداخت نفقه یا در اداره خانواده و واگذاری اموال خود می‌تواند مؤثر در وقوع نتیجه بوده باشد.

در محاکم خانواده وضعیت به گونه دیگری است. قضات این محاکم به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته نخست، قضاتی هستند که به امر کارشناسی اعتقادی نداشته و بر این باورند: «**تعیین نفقه مسأله‌ای نیست که از پس آن برنیاییم! در پرونده‌های جاری خود اقدام به تعیین نفقه می‌کنیم**» و لذا ملاحظه گردید که ایشان طی مشورتی با مدیر دفتر و گاه حتی بدون مشاوره با وی، رقمی را اعلام کرده و با زوج به توافق رسیده، آن را صورت‌مجلس کرده و در قالب «گزارش اصلاحی» به امضاء طرفین می‌رسانند. دسته‌ای دیگر گرچه به امر کارشناسی باور دارند، اما معتقد به اعمال نظر در نتیجه اعلامیِ کارشناس هستند. البته دسته سومی هم وجود دارد که در آن قضات با پیش فرض ذهنیِ فنی و تخصصی بودن امر کارشناسی، ضمن ارجاع موضوع به کارشناس در غالب موارد عیناً نظریه کارشناس را به رأی بدل کرده و به اصحاب دعوا ابلاغ می‌کنند، ضمن آن‌که برخی از این قضات نیز از کارشناس درخواست محاسبه ارقام به نحو حقیقی دارند.

گرچه در بررسی پاسخ مقامات قضایی، تحقق صد در صدی مدعای برخی کارشناسان مبنی بر ضرورت تأمین نظر مقام قضایی رد شد، اما با این حال نسبت به نظر برخی قضات که بر ادعای کارشناسان صحه گذاشتند، نکاتی به شرح زیر وارد است؛

نخست آن‌که تعیین میزان نفقه متعارف، حقی است که مقنن برای زوجه به عنوان یک **انسان** به رسمیت شمرده و هر یک از کارشناس و مقام قضایی می‌بایست نهایت تلاش خود را در تحقق آن به‌کار گیرند. بنابراین موضوعِ ناصوابی نیست که مقام قضایی یا زوج و یا هر فرد دیگری مانع از جریان آن شده و یا آن را از زوجه دریغ کنند، ضمن آن‌که چنین رویکردی با عنایت به علم قاضی به هزینه‌های جاری زندگی و البته اشراف به وضعیت مالی طرفین پرونده، امر قابل تأمل است. حق این است که کارشناس در بیش‌تر مراجعات با زوجی مواجه است که غالباً معسر است که این اعسار می‌تواند خود ساخته یا خود خواسته باشد. در چنین مواردی کارشناس به رغم علم به موضوع، بنا به عدم صلاحیت قضایی و بنا به اظهار زوج مبنی بر اعسار، ورشکستگی و افلاس و از طرفی عدم دسترسی به حقیقت مکتوب، محدود و ملزم به تعیین حداقل و کمتر از آن بر پایه «ما لایدرک کله، لایترک کله» است. البته این امر مختص به مجتمع خانواده یک (محلاتی)، با مراجعه‌کنندگان

قشر متوسط و ضعیف جامعه نبوده؛ بلکه در بین مراجعین مجتمع خانواده دو (ولنجک) به مراتب بیش‌تر و حیرت‌انگیزتر است. در مجتمع اخیر که غالباً پرونده‌های مربوط به اقشار متوسط رو به بالا و سطح بالای جامعه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، ارقام به نحو حقیقی بیان نمی‌شوند، ضمن آن‌که قضات نیز بر آن اعتراضی ندارند، حال آن‌که طبق مواد ۱۶۳ و ۱۶۵ ق.آ.د.ک و ۲۶۵ ق.آ.د.م، چنان‌چه نظر کارشناسی مطابق با اوضاع و احوال محقق و معلوم نباشد، مقام قضایی نباید به آن ترتیب اثر بدهد و یا حداقل می‌بایست در این باره توضیح بخواهد و یا مشاوره بگیرد. به رغم صدور نظریات غیرکارشناسانه و سکوت و عدم مخالفت مقام قضایی، گاه ملاحظه می‌شود زوج به منظور تعدیل همان مبلغ ناچیز نیز اقدام به رایزنی از طریق وعده و وعید به کارشناس، طرح اعتراض به نظریه کارشناسی، مراجعه به اتاق کارشناسان و تماس با کارشناس و ثبت پرونده انتظامی علیه کارشناس می‌کند. در یک مورد مراجعه حضوری مشاهده شد، زوج با مراجعه به دفتر کارشناسان و اعلام توصیه قاضی پرونده، از کارشناس تقاضا داشت: «**رقم نفقه را به کم‌ترین میزان و حتی هیچ اعلام کند**»، در حالی‌که در پاسخ به مطالبه‌ی اوراق شناسایی، اظهار داشت: «**با یک جستجوی ساده در فضای مجازی می‌توانید متوجه شوید که من چه کسی و دارای چه جایگاهی هستم، فلذا نیازی به اوراق شناسایی نیست**». هم‌چنین در یک مورد مراجعه دیگر زوج به رغم اشتغال به امر تجارت و سکونت در منزل ملکی خود در منطقه یک تهران، خود را کارگر معرفی کرد که با یک جستجوی ساده شعب نمایندگی ایشان درخارج از کشور مشخص گردید. حال آیا حق است که در چنین پرونده‌هایی، میزان نفقه بر طبق رویه حاکم بر کارشناسی، تعیین شود؟،چنان‌که شد.

نکته دیگری که در رد إعمال نظر برخی قضات می‌بایست بدان توجه شود این است که رقم اعلامی کارشناس، به دلیل فنی و تخصصی بودن آن نباید از سوی قضات مردود شود؛ زیرا کارشناسی امری تخصصی و خارج از صلاحیت قضایی است و لذا قضات نباید به امر کارشناسی ورود کرده و به تعدیل مبلغ نفقه بپردازند، مگر آن‌که نظریه اعلامی مغایر با اوضاع و احوال مسلم پیرامون پرونده باشد. در چنین وضعیتی شایسته است که قضات بر اساس حقایق موجود، کارشناس را به صدور نظریات قریب به واقع، توصیه و راهنمایی کند، حال آن‌که چنین نتیجه‌ای کمتر محقق شده، ضمن آن‌که دأب هیأت‌های کارشناسی پس از ثبت اعتراض توسط زوج، کاهش نفقه اعلامی توسط کارشناس بدوی است، مگر آن‌که هم‌زمان زوجه نیز اعتراض کرده باشد که در این وضعیت، تثبیت نظریه کارشناس منفرد، رویه متدوال و مرسوم میان کارشناسان است.

رهیافت عملی:

نفقه از جمله حقوق مالی زوجه است که فقیهان و حقوق‌دانان بر اصل آن و تعهد زوج به پرداخت آن اتفاق نظر دارند و حتی عدم استطاعت مالی زوج را سبب برائت ذمه وی از تأدیه نفقه ندانسته‌اند.[۱۵] با این حال عدم پرداخت نفقه از مهم‌ترین عوامل اختلافات و فروپاشی کانون خانواده است؛ به نحوی که بیش‌ترین آمار ورودی محاکم خانواده مربوط به مطالبه نفقه است. از آن‌جا که در حقوق ایران و شریعت اسلامی، این تکلیف به خلاف برخی کشورها نظیر فرانسه (تکلیف دو جانبه بر مبنای قرابت)، به نحو یک‌جانبه‌ای به عهده زوج گذارده شده و از طرفی نمی‌توان زوجه را ملزم به تأمین معاش خانواده کرد،[۱۶] به نظر می‌رسد که زوج را با توجه به وضعیت

اقتصادی و معیشتی می‌بایست در راستای اجرای صحیحِ قانون حمایت کرد تا در ایام زوجیت از فروپاشی بنیان خانواده و در زمان فراغت و خاتمه زندگی مشترک، زوجین از حمایت حقوقی برخوردار شوند. چنین عملکرد حمایتی از زوج و نهاد خانواده، در پیشگیری از وقوع تخلف و جرم کارشناسان دادگستری نیز منشأ اثر است؛ زیرا چنان‌که گفته شد کارشناس با اظهار نظر خلاف واقع در معرض مسئولیت‌های چهارگانه اخلاقی، حقوقی، کیفری و انتظامی است.

بر مبنای پذیرش حکومت اخلاق بر نهاد خانواده و دیدگاه حمایتی نسبت به آن، به نظر می‌رسد شایسته‌ترین و عملیاتی‌ترین راه‌کار در باب محاسبه نفقه و پرداخت آن از سوی زوج، با لحاظ دو وضعیت ایسار و اعسار وی بدین شرح است؛ در موارد ایسار، نیازها به نحو متعارف و کامل و ارقام نیز به نحو حقیقی محاسبه و زوج به پرداخت آن الزام گردد و حتی در موارد امتناع از باب «الحاکم ولی الممتنع»، این حق استیفاء گردد. در موارد اثبات اعسار و ناتوانی زوج نیز، می‌بایست تا حد وسع و توانایی وی، هزینه‌ها را بر دوش وی گذاشت و در پاره‌ای موارد که زوج فاقد منبع درآمد است، او را در یافتن شغل مناسب[۱۷] یا بیمه نمودن زوجه، حداقل به میزانِ مدت ایام عده، الزام و البته حمایت کرد.[۱۸] در خصوص الزام به یافتن شغل، چه بسا شرایطی فراهم شود که بتوان از نهادهای همکار در اجرای مجازات‌های جایگزین حبس و سایر نهادها بهره برد. این شیوه در راستای حمایت زوج به منظور پرداخت نفقه، مطلوب به نظر می‌رسد، اما در مواردی که راه‌کارهای فوق عملی نباشد، می‌توان از نهاد مسئولیت نیابتی بهره برد و یا وظیفه تأمین مبالغ بیش از وسع زوج تا تأمین نفقه کامل را بر عهده صندوقی قرار داد که تأمین‌کننده بخشی از این حق و سایر امور مالی خانواده است. به همین منظور پیشنهاد می‌گردد در راستای اصلد دهم قانون اساسی و در جهت حمایت از خانواده، صندوقی حمایتی در قالب پشتیبانی از زوجین یا خانواده تأسیس گردد تا به مانند بیمه و صندوق جبران خسارات بدنی موضوع ماده ۱۰قانون بیمه، وظیفه جبران چنین نواقصی، بر عهده آن قرار بگیرد، چنان‌که حاکمیت، چنین حمایتی را کم و بیش در قالب پرداخت یارانه به مرحله اجرا گذارده است. البته ناگفته نماند که می‌توان از ظرفیت وجودی بیمه‌ها در وضعیت موجود نیز بهره برد و بیمه نفقه را تأسیس کرد. ایجاد صندوق‌های حمایتی می‌تواند از مصادیق مداخله مطلوبِ حاکمیت در نهاد خانواده بر مبنای حفظ نظام و مصالح عامه باشد که با مداخله‌ای حداقلی به حمایت حداکثری از بنیان خانواده پرداخته است؛ زیرا در فرض ایجاد، زوجین با عنایت به داشتنِ حمایت قانونی، به استمرار زندگی دلگرم می‌شوند. البته عملکرد صندوق پیشنهادی را می‌توان به گونه‌ای تعیین کرد که زوج نیز در تأمین موجودی آن مداخله داشته باشد و آغاز مشارکتِ وی در صندوق پیشنهادی، با تشکیل زندگی مشترک هم‌زمان باشد یا این‌که در موارد طلاق، مبالغ پرداختی از سوی صندوق به نحو تقسیط از زوج دریافت شود. راه‌کار حمایتی دیگری که در این باره می‌توان در نظر گرفت، وضع نهادی حمایتی در تأسیسِ خانواده به مثابه مسئولیت جد پدری در نفقه فرزند یا نهاد عاقله در جنایات است. با عنایت به قاعده تعاون، آن هم در موضوع خانواده که از مصادیق اتم برّ است، به نظر می‌رسد جعل چنین نهادی در کنار سایر رهیافت‌ها در قالب مسئولیت نیابتی در موارد طلاق می‌تواند زوجین را تا حدودی برای رویارویی با وضعیت جدیدِ خاتمه زندگی مشترک آماده کند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. نساء/۱۹.

۲. جعفری لنگرودی، م(۱۳۸۶). ۳۰۳.

۳. افضلی گروه، م(۱۴۰۰). ۲۶۹.

۴. کاتوزیان، ن(۱۴۰۰). ۱۲۴.

۵. جعفری لنگرودی، م(۱۳۵۳). ۱۶۲.

۶. سربازیان، مجید و غلامرضا برزگر. «**معیار تعیین نفقه‌ی زوجه در فقه امامیه و حقوق مدنی**». مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز. دوره۹، ش۱، ۱۳۹۶. نیازی، قدرت‌الله و علی رمضانی. «**معیار نفقه زوجه**». دوفصل‌نامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده(ندای صادق). سال۲۱، ش۶۵، ۱۳۹۵. کاظم‌پور فرد، فاطمه و مهسا جمشیدی شهمیری. «**واکاوی فقهی در ملاک تعیین مقدار نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقهای اسلامی**». فقه و حقوق خانواده(ندای صادق). ش۵۵، ۱۳۹۰.

۷. بعلبکی، ر(۱۳۸۵). ۱۷۲؛ روحی و فیاض‌بخش(۱۳۹۲). ۶۶۴-۶۶۳. جمعی از پژوهشگران(۱۴۲۶). ۳: ۱۹۴.

۸. ابوجیب، س(۱۴۰۸). ۳۵۸.

۹. رأی ش۲۳/۲۹۲ دیوان عالی کشور.

۱۰. صاحب جواهر(۱۴۰۴). ۳۱: ۳۳۰؛ جعفری‌لنگرودی، م(۱۳۸۸). ۵: ۳۶۵۶؛ کاتوزیان، ن(۱۴۰۰). ۱۲۲.

۱۱. کاتوزیان، ن(۱۴۰۰). ۱۲۲.

۱۲. فرزین‌راد، ر(۱۳۹۷). ۲.

۱۳. م۲۰ق.ک.ک و م۱۷آ. م ۱۸۷.

۱۴. کاتوزیان، ن(۱۴۰۰). ۲: ۱۱۱.

۱۵. طوسی، ا(۱۳۸۷). ۶: ۲.

۱۶. محقق داماد، م (۱۳۶۵)، ۲۸۳.

۱۷. گواهی، ز(۱۳۹۳). ۳۷.

۱۸. حاجیان، ع(۱۳۷۹). ۱۴۴.

References:

Quran Karim

Law on Official Judicial Experts. [In Persian]

A group of researchers under the supervision of Shahroudi, S. M. (1426 AH). *Dictionary of Jurisprudence According to the Religion of the Ahl al-Bayt (peace be upon them)*. Vol. 1, Qom: Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence on the Religion of the Ahl al-Bayt (peace be upon them). [In Persian]

Abu Jaib, S. (1408 AH). *Dictionary of Jurisprudence in Language and Terminology*. Vol. 2, Damascus: Dar al-Fikr. [In Persian]
Afzali Group, M. (1400). "*The Effects of Spouse Alimony in Iranian and French Law*". Legal Civilization, Fourth Year, No.8. [In Persian]
Ameli, Z. (1410 AH). *Al-Rawzah al-Bahiyah in the commentary on the Damascus gloss*. vol. 1. Qom: Davari Bookstore. [In Persian]
Baalbaki, R. (2006). *Arabic-Persian Dictionary of the Source*. Translated by Mohammad Moghaddis. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
Farzin Rad, R. (2018). "*A legal and jurisprudential study of spousal maintenance and the individual and social consequences of not providing main* .[In Persian]
Ghawahi, Z and Nasrin Hojabari (2014). "*A Comparative Study of Alimony in Iranian, English and American Law*". Jurisprudence and Family Law (Neday Sadeq). Year 19, No. 61. [In Persian]
Hajian, A. (1990). *Divorce in California*. Tehran: Book Publishing. [In Persian]
Heydari, H, Manijeh Hajati and Yousef Ebrahimi Nasab (2011). "*Wife's Alimony in Iranian, French and Swedish Laws*". Journal of Women's Cultural Psychology (Women and Culture). Volume 2, Issue 7. [In Persian]
Jafari Langroodi, M. J. (1974). *Family Law; Intermediate Civil Law Course*. Tehran: Ganj-e-Danesh Library. [In Persian]
Jafari Langroodi, M. J. (2007). *Basis in the Coded Civil Laws*. Tehran: Ganj-e-Danesh Library. [In Persian]
Jafari Langroodi, M. J. (2009). *Detailed in Legal Terminology*. Tehran: Ganj-e-Danesh Library. [In Persian]
Katouzian, N. (1400). *Introductory Course on Family Civil Law*. Tehran: Mizan Publishing House. [In Persian]
Katouzian, N. (1400). *Proof and Proof of Proof*. Vol. 10. Tehran: Mizan Publishing House. [In Persian]
Mohaqeq Damad, S. M. (1986). *Jurisprudential Analysis of Family Law*. Tehran: Islamic Sciences Publishing House. [In Persian]
Najafi, M. H. (1404 AH). *Jewels of the Word in the Explanation of the Laws of Islam*. Researched by: Abbas Quchani and Ali Akhundi. Vol. 7, Beirut: Dar Ihyaa Al-Turahat Al-Arabi. [In Persian]
Roohi, M and Mohammad Taqi Fayyaz Bakhsh (2013). *Interpretation of the Words of the Holy Quran, Taken from the Interpretations of Majma' al-Bayan and al-Mizan*. Tehran: Fardafar. [In Persian]
Rostami Tabrizi, L. (2006). "*Family Financial Regime in Iranian and English Laws*". Strategic Studies of Women. No. 31. [In Persian]
Tusi, A. M. (1387). *Al-Mabsut fi fiqh al-Imamiyah*. Researcher: Seyyed Mohammad Taghi Kashfi. Ch 3. Tehran: Al-Mortazawieh School for the Revival of Al-Jafarieh Antiquities. [In Persian]